

توطئه خطر ناک ضد انقلاب

ورژیم بعثی عراق

بطوریکه از محافل وابسته به رژیم بعثی عراق بما اطلاع رسیده است، رژیم بعثی عراق در توطئه‌های خود علیه انقلاب ایران، ضمن ادامه خرابکاری در خوزستان، عملیات ایدائی محدود نظامی در مرزهای ایران (در خوزستان و کردستان) و تحرکات بوسیله عمال و گروههای وابسته خود در کردستان، انتظار دارد که در آینده نزدیک، از جانب عوامل وابسته به ضد انقلاب در ایران، با تکیه به حمایت عنصری در ارتش، «قیام»ی در خوزستان بر اه افتد نظیر توطئه ضد انقلابی «حزب جمهوری خلق مسلمان» در تبریز.

بدنبال این «قیام» قرار است ضد - انقلاب «خوزستان آزاد» و «ایران آزاد» را اعلام کند و از رژیم بعثی عراق و سایر دولت‌های ارتجاعی منطقه تقاضای پشتیبانی کند و با چنین مقدمه‌ای ارتش عراق به عملیات گسترده تجاوز کارانه علیه ایران دست بزند.

ما هشدار میدهمیم!

امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و دربار پهلوی در دوران حکومت دکتر مصدق هم، چنین نقشه‌ای را تدارک دیده بودند و تصمیم داشتند که در صورت شکست همه توطئه‌های کودتائی‌شان در تهران - در خوزستان این نقشه خائنانه را پیاده کنند. لازم به تاکید نیست که در شرایط کنونی، یکی از حساس‌ترین نقاطی که امپریالیستهای امریکائی میتوانند بدان وسیله به انقلاب ایران لطمه وارد سازند، خوزستان است. هر گونه کم‌توجهی به این خطر میتواند پیامدهای بسیار خطرناکی برای مبارزه تاریخی خلق ما علیه تسلط غارتگرانه و جنایتکارانه امپریالیست‌ها، بسرگردگی امپریالیسم امریکا، برای تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی ایران داشته باشد.

ما، همه خلق، همه نیروهای انقلابی، همه مقامات مسئول را به هشاری، اتحاد و قاطعیت انقلابی در برابر توطئه‌های امپریالیسم امریکا، ضد انقلاب داخلی و رژیم بعثی عراق فرامیخوانیم.

در صفحه امروز:

- تحریم المپیاد مسکو، شایسته انقلاب ایران نیست
- شرکت حزب توده ایران در مناظره رادیوئی

سیاست داخلی و خارجی رژیم بعثی عراق محکوم به شکست است

رژیم بعثی عراقی در دوران اخیر سیاستی را در پیش گرفته که جز خیانت به مصالح کشور و خلق‌های عراق (اعم از کرد و عرب) و منافع همه خلق‌های عرب و جز همکاری با امپریالیسم و ارتجاع منطقه، توصیف دیگری برای آن نمیتوان یافت.

گروهی که اکنون بر رأس قدرت است، پیرو کودتائی که در سال گذشته با برکناری البکر و با اعدام ۲۵ نفر از اعضاء رهبری پست و صدها نفر از مسئولین آن انجام گرفت، روی کار آمد و از همان آغاز در راه دشمنی با مجموعه جنبش ضد امپریالیستی خلق‌های عرب و منطقه از جمله ایران کام گذاشت.

رژیم بعثی عراق در داخل کشور - در دست بگونه رژیم نظامی - پلیس شاه مخلوع ایران - تمام آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک خلق را با شقاوت لگدمال کرده، خودمختاری منطقه کرد نشین عراق را، که سابقاً گرچه ناقص، ولی در حال پذیرفته بود، نقض کرده و بر خلق کرد عراق به تهاجم نظامی پلیس دست زده، بر حزب پرافتخار کمونیست عراق حمله ور شده و کمونیست‌ها را گروه گروه به میدان‌های اعدام و یا به شکنجه‌گاه‌های سازمان «امن» (سازاک عراق) و به سیاه‌چال‌های مخوف کشتا نده، دیگر میهن‌دوستان عراقی را، از هر قشر اجتماعی و قطع نظر از عقاید مسلکی و سیاسی و مذهبی آنها، قتل به «جرم» میهن‌دوستی و عدالت خواهی و آزادی طلبی در معرض پیکر، آزار و شکنجه قرار داده، بی‌محابا قتل می‌رساند. در یک کلام، رژیم بعثی عراق سیاست حزب واحد «دستاخیزی» و در یک کلام توری خونخوار پلیس شاه مخلوع ایران را در عراق بنام حزب واحد «بعث» و بوسیله سازمان «امن» - با وحشیگری تمام اجرا می‌کند.

بقیه در صفحه ۲

نامه
مردم

ازگان مرکزی غرب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۱۰
دوشنبه ۲۵ فروردین ماه ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ ریحال

خلق در حضور امام خمینی قطع رابطه با امپریالیسم امریکارا جشن گرفت



دهها هزار تن از مردم تهران یکبار دیگر در مبارزه علیه امپریالیسم امریکا با امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، تجدید عهد کردند.

جمعیت مشتاق دیدار امام خمینی، که از ظهر دیروز در محل اقامتگاه، موقت امام اجتماع کرده بودند، با شمار ، تا خون در رگ ماست خمینی رهبر ماست قطع رابطه با امپریالیسم جها نخور آمریکا را جشن گرفتند. مردم این قطع رابطه را به امام خود تبریک می‌گفتند و شور و هیجان و نقل و نقل پیش می‌کردند.

در ساعت ۵/۳۰ دقیقه خلق قهرمان در صفوف منظم از برابر اقامتگاه امام خمینی با شمار مرگ بر آمریکا رژه رفتند رژه روندگان با خود پلاکاردهائی حمل می‌کردند، که روی آنها نوشته شده بود: «برای آمریکا ویتنام دیگری خواهیم ساخت.»

«کارتی رسد ام‌حسین بدانند اگر از آسمان کلوله و از زمین

آتش ببارد، ما پشت به دشمن نخواهیم کرد.»
آنگاه پاسداران مسلح ستاد عملیاتی منطقه یک از برابر امام خمینی رژه رفتند و یکصد نفر از مستضعفین دنیا برپا میزدند.

پامسلها روزه آمریکا دشمن خلق ما سرگ بر آمریکا سرگ بر سر آمد بزند

این مراسم در ساعت ۷ بعد از ظهر خاتمه یافت و اجتماع کنندگان، با شمار مرگ بر کاتر، مرگ بر آمریکا، بطرف میدان تجریش به راه افتادند.

وحدت بزرگ ضد امپریالیستی انگیزه‌های بزرگ برای:

- اقدامات عملی در همه زمینه‌ها علیه امپریالیسم؛ بسرگردگی امپریالیسم امریکا،
- وحدت همه نیروهای صديق انقلابی و مترقی،
- ارتقاء نبرد ضد امپریالیستی بسطحی بالاتر و همه‌جانبه‌تر.

قطع رابطه سیاسی ایران و امریکا مرحله جدیدی از قطع پیوند های نواستعماری و ایران برپادهی است که کشور ما را به بزرگترین قدرت امپریالیستی وابسته میساخت. برای مردم انقلابی ما نویدی بالاتر از این نیست که یکی از اهداف اساسی انقلاب عظیم خود را در حال تحقق ببینند. حوادث روزهای اخیر و منجمله راه پیمائی وحدت ضد امپریالیستی در سراسر کشور نشان داد که مردم ما دشمن عمده خود، شیطان بزرگ - امپریالیسم امریکا و اعمال محلی آنرا بخوبی می‌شناسند و قاطعانه خواستارند که رشته های اسارت‌بار وابستگی کاملاً و بنحو همه‌جانبه بریده شود و استقلال واقعی همراه با آزادی در جمهوری اسلامی ایران - همچنان که شعار روزهای انقلاب میگفت - تامین و تحکیم شود.

ولی برای رسیدن به این هدف و پیروزی بردشمن، ضروری است که هر چه قاطع‌تر و سریع‌تر از میدان سخن و شمار و شور به سخته عمل و فسالیت و تدبیر مشخص کام نهاد. نه بخاطر آنکه سخن لازم نیست، شمار فایده ندارد و شور هیچ است، بلکه برعکس، همه اینها برای يك خلق انقلابی لازم و برای هشاری و بسیج او ضروری است. درست برای آنکه سخن ببدل بنشیند و به نیروی

کشورهای سوسیالیستی از انقلاب ایران در برابر توطئه‌های امپریالیسم امریکا حمایت می‌کنند

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی طی دورانی که از پیروزی انقلاب ایران میگذرد، همواره در پشتیبانی از انقلاب و مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران مواضع قاطع و روشنی اتخاذ کرده و برای توسعه روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بر پایه اصول برابری حقوق، احترام به حق حاکمیت و استقلال و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و رسود متقابل با جمهوری اسلامی ایران از آمادگی کرده‌اند.

اتحاد شوروی در آستانه پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، که امپریالیسم امریکارا برای مداخله نظامی و بقصد پخاک و خون کشیدن جنبش انقلابی ایران، به تمرکز نیروهای دریائی و هوائی خود در آبهای خلیج فارس میبرد، با اخبارهای قاطع و جدی امپریالیسم امریکا را از ارتکاب به چنین جنایتی برحذر داشت و پشتیبانی صریح خود را از انقلاب مردم ایران اعلام کرد.

در جریان رویدادهای بعدی، که در روابط ایران و آمریکا به ملت ادامه سیاست امپریالیستی ایالات متحده علیه ایران، بحرانی پدید آمد، این موضع قاطع و صریح اتحاد شوروی در پشتیبانی از انقلاب ایران و تأیید مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران بارها از جانب مقامات مسئول، خبر گزیرها و مطبوعات اتحاد شوروی تأیید شده است.

دکتر محمد مکرری، سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد شوروی، بارها طی مصاحبه‌های مطبوعاتی خود روی این مطلب تاکید کرده است که اقدامات انقلابی مردم ایران مورد پشتیبانی کامل اتحاد شوروی است و خاطر نشان نموده است که اتحاد شوروی در برابر حمله نظامی آمریکا به ایران عکس العمل شدید نشان خواهد داد.

بقیه در صفحه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

کاروانسراهای اعیان قاجار - سرپناه توده‌های زحمتکش

محللات فقر دیداری از عودلاجان



اینها یکی از کاروانسراهاست. پشت هر شکسته بسته‌ای، دستکم ۷ نفر زندگی می‌کند.

صدها نفر از زحمتکشان جامعه ما به کاروانسراهای قاجاری پناه برده در آنها زندگی میکنند.
دربزرگترین کاروانسرای عودلاجان، که ۷۳ اتاق دارد، ۵۱۱ نفر زندگی میکنند.

عودلاجان، فقرزده و دردمند تهران قرار دارد، این محله محصور شده در میان خیابانهای امیرکبیر، پانچان، سیروس و ناصرخسرو، یکی از محله‌های اعیان نشین دوران قاجار است، که امروز کهنه و پوسیده، سرپناه ۱۵ هزار انسان گرسنه و دردمند است، که لبریز از خشم، فریاد میکنند، اما فریادرسی نیست.

عودلاجان محله‌ای است که تنگ و خاکی پشت سرهم، اینجا و آنجا، راه‌په‌خیابانهای اصلی می‌برند. در سرخس، در پس کاروانسرایش، کوچه‌های باریک، کوچه‌هایی که به آشتی‌کنان (۱) شهرت دارند، به یکی از خیابانهای شیرین می‌گردد. در این کوچه پس‌کوچه‌ها، کاروانسراها و خانه‌ها و کارگاهها تنگ بهم چسبیده‌اند. این محله که گرنشین، با دهکده‌های بیشتر در یک متر و نیش، با کاروانسراهای پر جمعیتی، با خانه‌های فرسوده و خشتی‌اش، که با تیر چوب‌های ازکار افتاده آن هر دم احتمال فرو ریختن دارد، چهره‌ای خاص خود دارد.

این محله فقیر نشین قبلاً به «محله چوبده» معروف بوده، زیرا اکثر مالکانش کلیبی بوده‌اند، ولی اینک ۹۰ درصد آملی این محل زحمتکشان روستاهای مبین ماهستانند که در زمان رژیم سابق، رانده و مانده و دست خالی، به امید پیدا کردن کاری به تهران آمده‌اند، اما اینجا در مانده‌تر ماندگار شده‌اند.

با وجود فقر بنیان برکن، که ساکنانش با آن سخت دست به گریزند، باز زندگی در شرایطی پردرد است. اینها که در بیخ‌ها و زیر زمینهای با دیوارهای نمناک، در آنجا تنگ و تاریک سکن گزیده‌اند، جاری است.

زندگی در دستهای پینه بسته مردان و زنانی که مجبورند پاکت بسازند، یا بصورت کارگر روزمزد استخدام شوند، رنگ میکشد. زندگی را در این محله باید در معادله‌های بسیار در سبید مویانی سالخورده، که مجبورند برای یک لقمه نان صبح تا شب جان بکنند، در دستان کوچک بچه‌هایی که بجای درس خواندن باید در کار مادران و پدرانشان خرج زندگی خود را در بیابان، تا بتوانند روزی دیگری زنده بمانند، در چشمان به حسرت نشسته خردسالانی که از سرما در گوشه این بیخ‌ها کن کرده‌اند و فریاد میکنند، جست.

عودلاجان محله بادگیرهای از کار افتاده است، محله دیوارهای گلین است که هنوز شمارهای زمان انقلاب بر آن نقش بسته. محله فریادگویی است که سالیان ستادی در سینه‌ها حبس شده بود. بوی کپتگی و فرسودگی از همه جای این محله به مشام می‌رسید.

کاروانسراهای این محل، که از زمان قاجار باقی مانده‌اند، هر کدام به دهها اتاق تقسیم شده‌اند، که در هر کدام از آنها دستکم ۷ نفر مسکن گزیده‌اند.

ویژگی زندگی در کاروانسراهای قاجاری اینست که ۵۰ سال قبل، عصر قاجاریان خائن و فاسد، آنها را ترک گفت، اما مردمان آن همچنان در آن عصرمانندگار شدند. در عودلاجان تاریخ متوقف شده است.

میزنده، مرد جوان یکدفعه هم سرش را بلند نمیکند. دستپایش ب آنکشتیهای سیاه شده درم گره خورده‌اند. زن با تسمی غم‌انگیز ادامه میدهد: «شهرم ۴ سال است که معاند شده. فکر میکنید چند سال دارد؟ هه‌اش ۳۵ سال. روزی ۱۰۰-۱۵۰ تومان هم خرج گردش میشود. توی این کاروانسرا، توی این محله، توی این خیابانها، معاند زیاد است، که اکثرشان به‌شیره معاندند».

در آنطرف کاروانسرا، انسانهایی دیگر نگاهشان را به در دوخته‌اند. سه کودک در گوشه‌های تنگ و تاریک منتظر پدرشان هستند. زن پیر سیدموسی در گوشه‌ای از اتاق، زیر پتوی پروسه‌های خوابیده و ناله میکند. مادر در تدارک ناچار است. تخم مرغ نپزیده‌اند. با وارد شدن ما، کودکان شتابان به امید دیدار پدر پیش میدویند، اما با ناامیدی سرشان را به زیر میاندازند و باز به جای اولشان بازمیکردند. بزرگان بانالهای جانکاه، از زیر پتو بیرون می‌خزد، دست را به کمرش میکشاند و می‌گوید: «مادر جون، من خیلی وقته که مریضم. خیلی هم دکتر رفتم. هیچکدام رسیدگی نکردند» (لباس را بالا میزند. شکم درم کرده‌اش بیرون می‌آید. با دستمال جربک و کتیفی بالای آنرا بسته است. «شاید دردش تسکین بگیرد» خودش را معرفی میکند: «من شهر یاقو رنجبرم. نسیانم چند سال دارم. شاید ۵۰-۵۵. قلم هم ناراحت است. یکبار هم رفتم بیمارستان شیر و خورشید خوابیدم، اما خوب نشدم. شما بگنویید. چکار کنم؟ دراز نکشد و نفسی عتیق از سوز دل بر نمی‌آورد».

جوان آنباست که به این گورستان فقر رنگ زندگی ببیند. وارد یکی از اتاقها میشود. مرد جوانی در کنار اجاق خوراک‌پزی چپا تمه زده و درخود کورفته است. زن خشکیده و سنی در وسط اتاق سبزیبینی پوست میکند. زن با گشاده رویی از ما استقبال میکند. توی این کاروانسرا ۷۳ اتاق وجود دارد، که در هر کدام دستکم ۷ نفر زندگی میکنند، یعنی ۵۱۱ نفر. حالا میتوانید حساب کنید که ما چه چوری آب بریداریم، چه شکلی از برق استفاده کنیم و چه شکلی تو این اتاقهای کوچک زندگی میکنیم. هر دردی یک درمانی دارد، اما درد مادرمانی ندارد، چونکه هیچکس بفکر مانیست. هه‌اش انتظار، به‌خدا خسته شدیم». ناخوش را میکوبد و وضع زندگی‌اش را شرح میدهد: «من اسمم صدیقه مرادبانی است، ۴۵ سال و ۵ بچه دارم. من تو آمل نفاقچرا، اما هر چند وقت می‌آیم سری به بچه‌ها و شهرم معاندند. آخر حرف



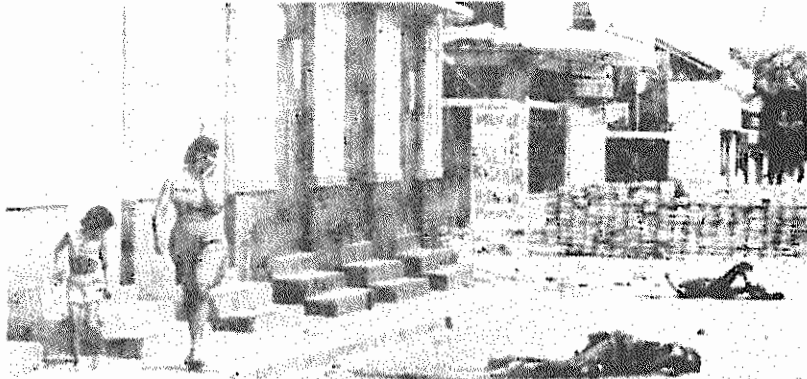
همه وسعت اتاق این بزمرد درعکس پیداست. بقیه ساکنان اتاق غایب هستند!

گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

بشر دوستان آدمکش!



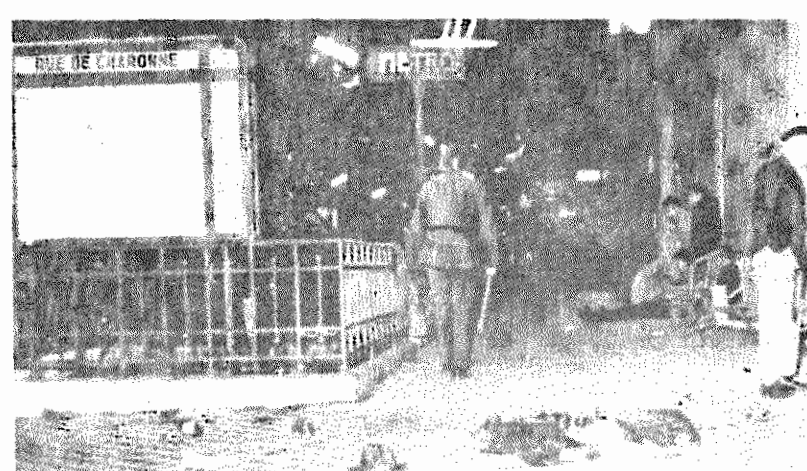
کنگو - ۱۹۶۵



نیکاراگوئه - ۱۹۷۸



ترکیه - ۱۹۷۸



فرانسه - ۱۹۶۲



شیلی - ۱۹۷۳

ژرژمارشه، دبیرکل حزب کمونیست فرانسه، در کنفرانس مطبوعاتی که در روز اول اسفند ۱۳۵۸ در ساختمان پارلمان فرانسه ترتیب داده شده بود. تاسیس کمیته‌ای را بنام «کمیته دفاع از آزادیها و حقوق بشر در فرانسه و جهان» اعلام کرد. بگفته ژرژمارشه، که ریاست کمیته نامبرده را بعهده گرفته است، این کمیته وظیفه دارد تا با افشای گریه‌های خودمبارزه کمونیست‌ها رادر راه ایفای حقوق بشر و علیه نقض آنها در فرانسه و نقاط دیگر جهان به سلسله بی‌همتای ارتقا بخشد.

ژرژمارشه در بخشی از سخنرانی خود گفت:

سرنگونی امین ماجراجو و خون‌آشام در افغانستان اظهار تأسف کردند.

دبیرکل حزب کمونیست فرانسه سپس بتفصیل درباره گزارش «کمیته دفاع از آزادیها و حقوق بشر در فرانسه و جهان» پیرامون جنایات امپریالیسم و ایجادش در بیست سال گذشته سخن گفت و افزود: «این (گزارش) تنها یک جنبه نقض حقوق بشر، یعنی آشکارترین و دهشتناک ترین شکل آنرا در بر میگیرد: قتل‌های سیاسی و ترور ادیستانت، سرکوب جنایتکارانه خلق‌های آزادیخواه، آدمکشی و کشتار. بنابراین، گزارشی که امروز نشر مییابد

سخنگویان امپریالیسم، که در مقابله با خلق‌های آزادیخواه، از حقوق بشر دم میزنند، حقیقت ندارند چنین درفشانی کنند. آنها هواداران سیستمی هستند که هر روز میکشند، بدام میزنند، سر می‌برد، به تیر و مسلسل می‌بندند، خون میریزد، از هیچگونه عمل شنی با نسیورزد و شکنجه میکشد. آنها کسانی هستند که تا آخرین دقیقه به دیکتاتوری سوموزاریاری رسانند، برای پول پیوت، جلاذ خلق کلمیوچیا، این حق را قائل شدند که خود را بعنوان نماینده آن کشور در سازمان ملل متحد جا بزند و از فراد شاه از ایران و

اردن: «سپتامبر سیاه»، کشتار هزاران فلسطینی.

۱۹۷۱
اوگاندا: قتل ۱۰۵ تن در یک زندان، پاکستان: کشتار ۶۰۰ هزار تن،

۱۹۷۲
ماداگاسکار: حمله به تظاهرات دانشجویی، ۲۹ کشته،

هائیتی: کشتن ۱۰۰ تن از سوی یک باند جنایتکار و مرتجع،
زیمبابوئه: سرکوب مهین پسرستان، ۳۰ کشته،

موزامبیک: کشتار بیش از ۴۰۰ تن از سوی سر بازان پرتغالی،
سودان: ترانزنامه رسمی جنگ‌های داخلی، ۵۰ هزار کشته،
پوروندی: «کشتار جمعی» بنا به ترفیع (سازمان ملل متحد)، ۲۰۰ هزار کشته،
ایرلند شمالی: سرکوب تظاهرات از سوی سر بازان انگلیسی، ۱۴ کشته،

۱۹۷۳
یونان: کشتار در یک پلی تکنیک، دهها کشته،

شیلی: کودتای «سیاه» ساخت، ۳۰ هزار کشته،
اروگوئه: کودتای راستگرایان افراطی و تضيقات پس از آن، صدها کشته،

۱۹۷۳-۷۴
ایران: اعدام هفتصد تن،

۱۹۷۴
نیوز: کودتا، صد کشته،
بولیوی: سرکوب جنبش دهقانی، ۲۰۰ کشته،

آرژانتین: ۲۵۰ کشته،
قبرس: کودتای فاشیستی، ۶۰۰۰ کشته،

۱۹۷۵
السالوادور: قتل ۲۱۱ دانشجو،
بنگلادش: کودتا، ۲۰۰ کشته،
آرژانتین: ترانزنامه ارتش ضد کمونیست آرژانتین، ۲ هزار کشته در سالهای ۱۹۷۳-۷۵

موزامبیک: آخرین کشتار توسط نیروهای پرتغال، در آستانه استقلال، صدها کشته،
کامپوچیا: ترانزنامه ۵ سال جنگ، ۶۰ هزار کشته،
ویتنام: نزدیک به ۲ میلیون کشته پس از ۱۵ سال جنگ،

۱۹۷۵-۷۶
آنگولا: سرکوب جنبش آزادی، هزاران کشته،

۱۹۷۶
نیجریه: ۳۷ اعدام،
ترکیه: سرکوب تظاهرات دانشجویی، ۴۰ کشته،

ایران: قتل ۱۰۴ مخالف رژیم شاه،
کلمبیا: ۳۰ کشته،
آرژانتین: ۱۰۰ کشته،

اورگوئه: مرگ ۳۰ تن زیر شکنجه،
اسرائیل: سرکوب تظاهرات دهقانان عرب، ۱۲ کشته،
چیونتی: مداخله ارتش فرانسه، ۹ کشته،
افریقای جنوبی: کشتار سموتو، ۶۰۰ کشته،
۱۱۷ تن در کلا ترها بقتل میرسند،
تیمور شرقی: ترانزنامه کودتا، ۵۰۰۰ کشته،
پس از حمله نیروهای اندونزی،
بقیه در صفحه ۵



امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم امریکا - اسیر کننده خلق‌ها!

سرکوب اعتصابیون، ۲۰۶ کشته،

۱۹۶۵
ایالات متحده آمریکا: سرکوب لوس-آنجلس، ۴۶ کشته،
چاد: کشتار دهقانان، ۵۰۰ کشته،
نیجریه: اختناق مداوم، بیش از دوهزار کشته،

اندونزی: کودتا و قتل کمونیست‌ها و نیروهای مترقی، ۵۰۰ هزار کشته،

۱۹۶۶
ایالات متحده آمریکا: ناآرامی، ۱۰ کشته،
چیونتی: سرکوب قیام، دهها کشته،
چاد: سرکوب قیام دهقانی، بیش از ۱۰۰ کشته،

۱۹۶۷
ایالات متحده آمریکا: ناآرامی در نیوآرک و دیترویت، ۶۳ کشته،
گواتمالا: سرکوب دهقانان، ۸ هزار کشته،
بولیوی: کشتار معدن کاران، هزاران کشته،

کامرون: کشتار اهالی یک دهه، ۵۰۰ کشته،
یونان: کودتای فاشیستی، ۵۰ کشته،

۱۹۶۸
ایالات متحده آمریکا: ناآرامی در ۱۱ شهر، ۴۰ کشته،
مکزیک: حمله به تظاهرات دانشجویی، بیش از ۱۰۰ کشته،
نامیبیا: حمله مزدوران آفریقایی جنوبی به یک دهه، ۶۸ کشته،

۱۹۶۹
چین: ترانزنامه «انقلاب فرهنگی» ۱-۲ میلیون کشته،

۱۹۷۰
ایالات متحده آمریکا: قتل مبارزان «برسیاه»، از ۱۹۶۸، ۲۸ کشته،

۱۹۵۹
کنگو (سابقا کنگو بلژیک): سرکوب قیام در لویولدریل، ۴۵۰ کشته،

۱۹۶۰
آفریقای جنوبی: حمله به تظاهرات، ۷۰ کشته،

۱۹۶۱
آنگولا: قیام خلق، ۲۰ هزار کشته،
تونس: بمباران یک دهه، ۷۷۰ کشته،

۱۹۶۲
کامرون: ازال ۱۹۵۷ هزاران کشته،
ترانزنامه جنگ الجزایر: بیش از یک میلیون کشته،

۱۹۶۳
ایالات متحده آمریکا: ناآرامی در واز، ۳۲ کشته،
چاد: حمله به تظاهرات، ۳۰۰ کشته،
ایران: سرکوب قیام خلق، حداقل ۳۰ هزار کشته،
عراق: کودتا و سرکوب کمونیست‌ها، هزاران کشته،
یمن دمکراتیک: آغاز مبارزه علیه استعمارگران بریتانیا، صدها کشته در عرض چهارسال،

۱۹۶۳-۶۵
عمان، آفریقای جنوبی: اعدام ۲۰۰ آزادیخواه،

۱۹۶۴
عمان: آغاز قیام، مداخله انگلستان و رژیم شاه به کشته شدن هزاران نفر می انجامد،
کلمبیا: ترانزنامه هفت سال اختناق، بیش از ۲۳ هزار کشته،
گابون: مداخله مسلحانه فرانسه، ۲۵ کشته،
گیانای بریتانیا: پیکرهای نژادی و

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

مدهاست که رهبر انقلاب ایران، امام خمینی، دستور تشکیل ارتش بیست میلیونی را صادر کرده است. ولهنوز این دستور در پیش میسر نشده است.

دهقانان تهیدست و ارتش ۲۰ میلیونی

تهیدست‌های دهقانان مداخله نظامی در ایران است و پشت‌سرم تهیدست می‌کند و از اشتیاق جنگجویان خود برای بمباران ایران صحبت می‌کند.

دستاوردهای انقلابی ایران دفاع کنند و نگذارند جمهوری اسلامی در معرض خطرنا بودی قرار گیرد و پاسخ دندان‌شکن به هرگونه خیال تجاوز و تهاجمی بدهند.

اجرای پیگیر قانون مصوبه واگذاری زمین، ریشه نابرابری های اجتماعی در روستاها را می خشکاند

عمده‌ترین مسئله اینک در روستاهای استان فارس وجود دارد مسئله زمین است. مالکیت فوارت. کرانه و غاصبانه مالکان بزرگ و خوانین بر بخش اعظم زمینهای قابل کشت در این استان، سهمگین و آسان و شدت استثمار ناشی از روابط بزرگ مالکی، عامل پیدایش بسیاری از مسائل در اقتصاد روستایی و در زندگی دهقانان زحمتکش این ناحیه است.

● مالک روستای بهوش در زمان طاغوت، با اعمال زور، ۵۰۰ هکتار از زمینهای ۲۰ نفر از روستائیان را غصب کرد. شکایات روستائیان علیه مالک غاصب به جای نیسند، زیرا مالک از حمایت دستگاههای قضایی دوران رژیم منحوس بهلوی برخوردار بود. بعد از انقلاب روستائیان به دادگاههای انقلاب مراجعه کردند و شکایات خود را مطرح ساختند و بحکم دادگاه زمینها را به دهقانان مسترد کردند. دهقانان فرمان امام زمینها را زیرکشت گندم بردند و بخشی از آن را برای سیفی کاری آماده کرده‌اند. هم اکنون مدتی است که مالک ده به کشت ابادی خود برای روستائیان مزاحمت وعملای موانعی برای امر حیاتی تولید ایجاد میکند. این مسئله يك اقدام توطئه آمیز علیه رشد اقتصاد کشاورزی و عکس العملی است طبقاتی - برای حفظ و تثبیت مواضع و منافع مالکین بزرگ و فئودالها. ● سال قبل دوفت از مالکین روستای کامفیروز در تبریز حمایت دستگاههای تصمیم‌گیری و اجرایی رژیم شاه مخلوع، زمینهای کشاورزان این روستا را غصب کردند. دهقانان برای دادخواهی با استخدام يك وكيل، به دادگاه های طاغوت شکایت کردند و طبقاً نتیجه این دادخواهی همان بود که از دوران رژیم شاه مخلوع انتظار میرفت. بعد از انقلاب، روستائیان کام فیروز با دیگر بهدادگاههای انقلاب مراجعه کردند و خواهان رسیدن به حق، یعنی زمین خود شدند. ● مالک روستای چمنی پور در فارس، در سال ۱۳۳۱، بدنبال اصلاحات ارضی شاهانه، ۸ نفر از روستائیان این ده را از محل کار زمینهای خود بیرون کرد و زمین را تصاحب نمود. این مالک بزرگ هم اکنون ۲۰۰۰ هکتار زمین دارد. در زمانیکه روستائیان این ده در خانه های کلی با سقفهای نیمه بران زندگی میکنند و هر لحظه فروریختن سقف میتواند «زندگی» آنان را بر باد دهد، مالک در شهر زیبای شیراز در کمال رفاه و آسایش زندگی میکند. ● بعد از انقلاب، روستائیان این ده بفرس سردار زمینهای خود اتفادند و بهدادگاه مراجعه به مالک، با این پاسخ مالک در برابر خود شدند.

توسیع در مورد مطلب ۷ درصد وام ضروری شرکت تعاونی کارگران مهر آباد

اخبار دهقانی

در گلدسته مالکین هم «داد خواهی» میکنند!

بعد از انقلاب شکوهمند و بدنیال فرمان امام خمینی، کشاورزان گلدسته در نزدیکی تهران زمینهای فئودال این روستا را، که بزور از دست آنان خارج کرده و بی حاصل مانده بود، به زیر کشت بردند و فرمان امام را تبدیل به خوشه های طلای گندم کردند. مالک ده که فرمان امام را خلاف مصالح و منافع خود میدید، روستائیان را به دادگاه کشید تا دهقانان را به «جرم» کشت و تولید برای نیازهای میراث‌پرور روستائیان به دادگاه احضار شدند. جریان رسیدگی به «شکایت» مالک با حضور خود مالک، وکیل مدافع او و يك نماینده از وزارت کشاورزی آغاز شد و از کشاورزان دعوت شد از خود «دفاع» کنند. ● کشاورزان طی دفاع از اقدام انقلابی خود می‌گفتند: «نظر ما این است که مالک دیگر نباید حاکم باشد و وجود داشته باشد. ما از زحمتکشان دفاع می‌کنیم».

شواهد نمونه‌های فراوانی وجود دارد که بزرگ مالکان و فئودال ها در اقصی نقاط کشور، با فیر و نیرنگ و اعمال نفوذ در دستگاههای تصمیم‌گیری و اجرایی، بهانه سازی های «عرفی» و «شرعی»، یورش مسلحانه به وسیله صاحبان زمین و بیایدی مسلح خود، ایجاد ترس و تامل در اجرای قانون مصوبه، بکار بردن شیوه های تفرقه افکنانه بین - دهقانان تهیدست و خرده مالکین و بجان هم انداختن آنها، تحریک اختلافات سنتی و ... علیه انقلاب و دستاوردهای آن نشان می‌دهند. سمت‌گیری اصلی توطئه‌های آنان متوجه جلوگیری از اجرای قانون مصوبه واگذاری زمین به دهقانان و ایجاد رعب و وحشت در دهقانان است. ● مالک روستای بهوش در زمان طاغوت، با اعمال زور، ۵۰۰ هکتار از زمینهای ۲۰ نفر از روستائیان را غصب کرد. شکایات روستائیان علیه مالک غاصب به جای نیسند، زیرا مالک از حمایت دستگاههای قضایی دوران رژیم منحوس بهلوی برخوردار بود. بعد از انقلاب روستائیان به دادگاههای انقلاب مراجعه کردند و شکایات خود را مطرح ساختند و بحکم دادگاه زمینها را به دهقانان مسترد کردند. دهقانان فرمان امام زمینها را زیرکشت گندم بردند و بخشی از آن را برای سیفی کاری آماده کرده‌اند. هم اکنون مدتی است که مالک ده به کشت ابادی خود برای روستائیان مزاحمت وعملای موانعی برای امر حیاتی تولید ایجاد میکند. این مسئله يك اقدام توطئه آمیز علیه رشد اقتصاد کشاورزی و عکس العملی است طبقاتی - برای حفظ و تثبیت مواضع و منافع مالکین بزرگ و فئودالها. ● سال قبل دوفت از مالکین روستای کامفیروز در تبریز حمایت دستگاههای تصمیم‌گیری و اجرایی رژیم شاه مخلوع، زمینهای کشاورزان این روستا را غصب کردند. دهقانان برای دادخواهی با استخدام يك وكيل، به دادگاه های طاغوت شکایت کردند و طبقاً نتیجه این دادخواهی همان بود که از دوران رژیم شاه مخلوع انتظار میرفت. بعد از انقلاب، روستائیان کام فیروز با دیگر بهدادگاههای انقلاب مراجعه کردند و خواهان رسیدن به حق، یعنی زمین خود شدند. ● مالک روستای چمنی پور در فارس، در سال ۱۳۳۱، بدنبال اصلاحات ارضی شاهانه، ۸ نفر از روستائیان این ده را از محل کار زمینهای خود بیرون کرد و زمین را تصاحب نمود. این مالک بزرگ هم اکنون ۲۰۰۰ هکتار زمین دارد. در زمانیکه روستائیان این ده در خانه های کلی با سقفهای نیمه بران زندگی میکنند و هر لحظه فروریختن سقف میتواند «زندگی» آنان را بر باد دهد، مالک در شهر زیبای شیراز در کمال رفاه و آسایش زندگی میکند. ● بعد از انقلاب، روستائیان این ده بفرس سردار زمینهای خود اتفادند و بهدادگاه مراجعه به مالک، با این پاسخ مالک در برابر خود شدند.

برای رفع کمبود علوفه وازدید تولید گوشت

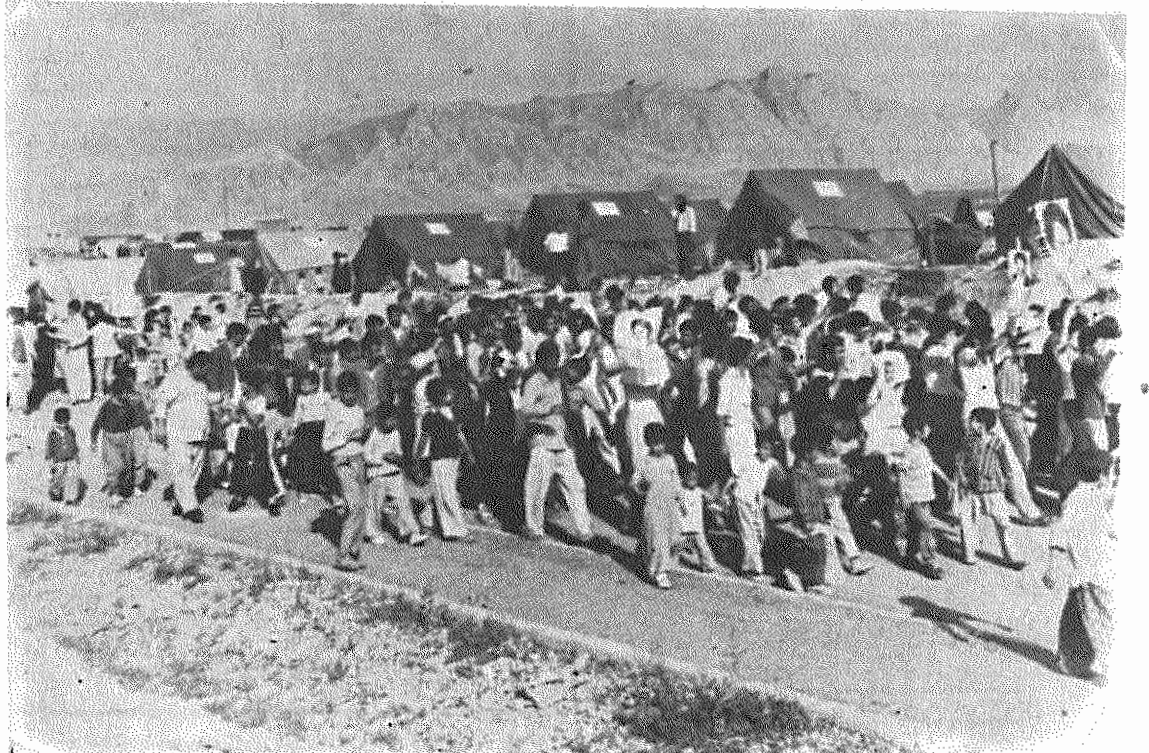
روستائیان هرگلان، از توابع آذربایجان، مسائل وخواستههای خود را در يك تظاهرات، با معنای بارجمائی، با معنای بارجمائی، نرفته، و برای مقامات مسئول ارسال داشته‌اند. این نامه نشانه آن است که تنظیم مناسبات مابین اهالی دهات و بین کشاورزان و دامداران یکی از مسائل مهم و نیز است و باید هنگام تدوین قوانین و مقرراتی که بتفع همه زحمتکشان باشد، این مسائل لحظ شود. ● در نامه روستائیان هر گلان چنین نوشته شده است: «محترماً به اطلاع میرساند که ما اهالی روستای هر گلان، از توابع آذربایجان، در منطقه گورستان واقع خسته و حدود ۴۰۰۰ نفر میباشیم. تنها گذران زندگی اکثریت اهالی دامداری است. در روستای خودمان علوفه کافی برای دامها در تمام سال بقدر کافی نیست و ما محدود و وسایل دامها خود را برای اجرا به روستاهای زیرمکباری - گنجه - سورآبادی، از توابع هجک شیر قین باسان و قره زنگر و آبی از توابع مراغه و ترشکوه، از توابع آذربایجان میبریم و در عرض حق مرتع بقدر کافی میدادیم. حالا اهالی این روستاها از دادن مرتع به ما خودداری میکنند. دامهای ما حالا در معرض نابودی قرار گرفته است و ما عاجز از جز فروش دامها و کوچ به شهر نداریم».

اعتراض روستائیان و اهالی سعدآباد بهرأی دادگاه اسلامی بوشهر

باتصویب شورای انقلاب، راه برای اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی گشوده شد. دهقانان با انتخاب شوراهای ده در همه جا و تشکل در اتحادیه‌ها، باین راه میروند

دیدار از اردوگاه ایرانیان رانده شده از عراق

دژ خیمیان عراقی شبانه زنها و کودکان را باسر نیزه از خانه بیرون میکشند...



اردوگاه ایرانیان رانده شده از عراق - گروه تازه ای بطرف چادرها میروند.

- جوانان ۱۸ تا ۲۲ ساله را ماموران عراقی دستگیر میکنند، زنها، کودکان خردسال، پیرزنها و پسر مردها را با کامیون به ایبانه میبرند و رها میکنند.
- رانده شدگان ساعتها تشنه و گرسنه زیر آفتاب سوزان پیاده طی می کنند، تا به مرز ایران برسند.
- کودکان خردسال وقتی به مرز میروند، از شدت تشنگی بیهوش شده اند.

اجراج ایرانیان از طرف رژیم جنایت پیشه بعثی عراق همچنان ادامه دارد. هرروز سدها زن و کودک و پسر مرد را با کامیون ها به ایبانه میبرند و رها میکنند. رانده شدگان ایرانی، که به خاک ایران رسیده اند، میگویند: «ماموران عراقی شبانه به خانه های ما راه میروند، پیرزنها را از خواب بیدار میکنند. آنها را مورد ضرب و شتم قرار میدهند. جوانان ۱۸ تا ۲۲ ساله را از خانه میبرند و به زندان می اندازند. اموال ایرانیان را ضبط میکنند. زنها، کودکان خردسال و پیرزنها و پسر مردها را بدون اینکه فرصت پوشیدن لباس پیدا کنند، از خانه ها بیرون میکشند، آنها را توی کامیون ها میزنند و به چند کیلومتری مرز ایران می آورند و در میان بیابان رها میکنند.»

دژ راه تاوانستند ما را اذیت و آزار کردله

بیرزن و فرزندانش میروند و من درخاک عراق گروه های چند نفری را می بینم که زیر آفتاب سوزان پراکنده و گوله یار پندوش تبه مامورهای مرزی ریخته سر میگردانند و به خاک ایران نزدیک میشوند. هرچه زمان میگذرد، تعداد آنها بیشتر میشود. به برخی ها اجازه داده اند مقدار ناچیزی از وسایل خود را بردارند. این گروه های انسانی، که رژیم جنایتکار بعثی عراق آنها را رانده است، وقتی به مرز ایران میرسند، از شدت خستگی از پا می افتند. ساعتها در بیابان بی آب و درختانند. در میان آنها از کودکان چندروزه تا مردان سالخورده دیده میشود. بیشترشان زنان و دختران هستند. یقه های شیرخواره از فرط تشنگی بیهوش شده اند. آنها در آغوش مادرانی قرار دارند که قدرت حرف زدن ندارند. در کنارشان پسر مدانی هستند که کیلومترها در صحرا با عصا راه رفته اند. زنانی که پسران جوانشان از مامورین ایرانی تقاضای کمک برای آزاد شدن آنها را دارند. «لطفاً حسن علی» هس «محمد جوان» یکی از زنانی است که تازه به مرز رسیده. چهار فرزند خردسال همراه دارد. میگوید:

«پدر و مادر من اصعبانی هستند. همراه آنها در عراق بزرگ شده ام. شوهرم عراقی است. با چهار کودک خردسال سیما، نایه، احمد و شبنم در بغداد زندگی می کردیم و مقدار زیادی از اسناد موجود به سرقت برده شد. همچنین در روز ۱۸ فروردین، عده ای افراد مشکوک به گروهی که درباره مسائل سیاسی روز درس چهارراه کاظمی بحث می کردند، حمله بردند، که این حمله به مجروح شدن دو نفر انجامید. سازمان حزب توده ایران در کرمان، با انتشار اعلامیه ای این اعمال خنداقلابی را شدیداً محکوم کرد.»



این نوجوان ایرانی را، همراه برادرش خسروش، شبانه از خانه بیرون کشیدند و بزور سرنیزه روانه ایران کردند.

انفجار بمب های وحشت زا در کرمانشاه

در هفته اخیر، انفجارهای بی دردی در شهر کرمانشاه بوقوع پیوسته است. از جمله يك بمب در مقابل قرارگاه لشکر و یک بمب دیگر در خیابان بهار منفجر شد. پس از انفجار معلوم شد که بمبها تخریبی نبوده است و هدف از انفجارها ایجاد رعب و وحشت در میان مردم و تقویت روحیه ضد انقلاب است.

آویز کردن بند پیدا شده يك عدد آویز کردن بند (طلا) در خیابان شریعتی، رو بروی مدرسه عالی پارس در تاریخ ۲۱ فروردین پیدا شده است. برای دریافت آن به دفتر نامه «مردم» مراجعه شود.

حمله به دفتر دانشجویان مسلمان دانشکده حنیف نژاد کرمان توسط عده ای ناشناس

در طی حمله عوامل ضد انقلاب به دفتر دانشجویان مسلمان دانشکده حنیف نژاد شهرستان کرمان، در روزهای ۲۱ و ۲۲ فروردین ماه، حدود دویزاد جلد کتاب متعلق به کتابخانه این انجمن از بین رفت و ۳۵۰ جلد کتاب، ۳۰۰ عدد نوار کاست و سخنرانی های مختلف، تعداد بسیاری پوستر برای فروش و مقدار زیادی از اسناد موجود به سرقت برده شد. همچنین در روز ۱۸ فروردین، عده ای افراد مشکوک به گروهی که درباره مسائل سیاسی روز درس چهارراه کاظمی بحث می کردند، حمله بردند، که این حمله به مجروح شدن دو نفر انجامید.

توضیح لازم

در ترجمه های فارسی تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی و کتاب «مسائل معاصر آسیا و آفریقا»، هر جا اصطلاح «دودووانی کوچک» به کار رفته است، منظور از آن «خرد» و «دودووانی» است.

شماره ۱۳ نامه مردم به زبان کردی منتشر شد

مطالب زیرین را در آن می خوانید:

- ۱- حل مسئله کردستان فقط از راه مسالمت آمیز ممکن است
- ۲- درباره سخنرانی آقای بنی صدر در سالروز جمهوری اسلامی ایران
- ۳- تأمین کمکها و وامهای کشاورزی مؤثر در تولید، يك مسئله حاد است
- ۴- آیا اخلاقیاتی را که مدعی آن هستید مراعات میکنید؟
- ۵- اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران - همه با هم در جهت نبرد سرنوشت ساز علیه امپریالیسم آمریکا متحد شویم
- ۶- پیام امام خمینی به مناسبت قطع رابطه بین ایران و آمریکا
- ۷- تفسیر اصطلاحات سیاسی-اجتماعی
- ۸- يك قطعه شعر از یسانیس ریضوی شاعر معروف یونانی بعنوان (صلح) ترجمه از عربی
- ۹- «فقدان زاده» بنوا داستان

کشورهای سوسیالیستی...

بقیه از صفحه ۱ آندره گرومیکو وزیر امور خارجه اتحاد شوروی بارها اظهار کرده است که انقلاب ایران به جهت خصلت قلابی و جنبه های ضد امپریالیستی آن مورد پشتیبانی کامل اتحاد شوروی است. در ژانویه سال جاری، که قطعنامه پیشنهادی دولت آمریکا در مورد محاصره اقتصادی ایران در شورای امنیت مطرح گردید، اتحاد شوروی این قطعنامه را و تیر کرد و توسطه امپریالیسم آمریکا، که قصد داشت با استفاده از این سازمان بین المللی، ایران را تحت فشار و محاصره اقتصادی قرار دهد، باشکست مواجه ساخت. روزنامه جمهوری اسلامی در مورد موضع اتحاد شوروی در شورای امنیت نوشت:

موضع شوروی در شورای امنیت سازمان ملل متحد که بر حل مسالمت آمیز اختلاف بین ایران و آمریکا استوار است، امریکارا از امید به اینکه بتواند شوروی و دیگر کشورهای عضو شورای امنیت را با اکثریتی که مورد نظر اوست، به تصویب تحریم اقتصادی علیه ایران وادارد، یکی پس از دیگری نقش بر آب میکنند.

در برابر فشارهای اقتصادی امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، کشورهای سوسیالیستی اظهار آمادگی کردند که در صورتیکه ایران بخواهد، میتوانند نیازهای ایران را تأمین کنند. جمهوری دموکراتیک آلمان آمادگی خود را برای تأمین مواد غذایی مورد نیاز ایران اعلام کرد.

اداره دوپشرت، وابسته بازرگانی جمهوری دموکراتیک آلمان در کنفرانس مطبوعاتی در تهران، در زمینه تحریم صادرات مواد خوراکی از آمریکا به ایران گفت که کشورهای سوسیالیستی، از جمله جمهوری دموکراتیک آلمان، هرگز نخواهند گذاشت که امپریالیستها کوچکترین لطمه ای به انقلاب اسلامی ایران بزنند. ایران هر نوع کمکی که بخواهد، کشورهای سوسیالیستی با کامل میل آنها در اختیار ایران میکنند.

خبرگزاری ها و مطبوعات جمهوری دموکراتیک آلمان تبلیغات مطبوعات غرب علیه انقلاب ایران را همواره محکوم و از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران پشتیبانی کرده اند. جمهوری سوسیالیستی رومانی در حالیکه دولت آمریکا از فروش گندم به ایران امتناع کرد، آمادگی خود را برای فروش گندم به ایران اعلام داشت.

دولت و مردم جمهوری توده ای بلغارستان از نخستین روز پیروزی انقلاب ایران، از این انقلاب و از مبارزات مردم ایران علیه امپریالیسم آمریکا حمایت و اقدامات توطئه گرانه و تهدیدهای دولت آمریکا علیه ایران را محکوم کرده اند. روزنامه ارتش بلغارستان طی تفسیر خود پیرامون اوضاع ایران، آمریکا را به جنایت علیه ایران متهم کرد. در این تفسیر آمده است که ایالات متحده آمریکا علیه ایران دست به جنایات بی شماری زده است. پیدایش بحران کنونی در روابط ایران و آمریکا از نتایج اجتناب ناپذیر ۲۵ سال مداخله امپریالیسم آمریکا در امور داخلی ایران است.

وزیر امور خارجه اتحاد شوروی و بلغارستان در اعلامیه مشترک خود اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی و تهدیدهای نظامی آمریکا علیه ایران را به شدت محکوم کردند و در ارتباط با فشارهای آمریکا علیه ایران، بلغارستان اعلام آمادگی کرد که صدور گوشت و مواد غذایی دیگر به ایران را افزایش دهد.

فیدل کاسترو رهبر کوبا بارها تأکید کرده است که، همه کسانی که خواستار صلح بر اساس حق حاکمیت، شرافت و استقلال هستند، از انقلابهای ایران و افغانستان حمایت میکنند. انقلاب ایران از پشتیبانی نیروی مردمی بکران برخوردار است. دولت جمهوری دموکراتیک خلقی کره و مطبوعات آن کشور از انقلاب ایران و مبارزه ضد امپریالیسم مردم ایران قاطعانه پشتیبانی و اقدامات توطئه گرانه امپریالیسم آمریکا علیه ایران را محکوم کرده اند. سفیر جمهوری دموکراتیک خلق کره در يك سخنرانی اظهار داشت که پیروزی انقلاب ایران امید تازه ای به تمام مللی داده که از ستم امپریالیسم رنج میبرند.

فصل دوم و سوم از کتاب «مسائل معاصر آسیا و آفریقا» هر جا اصطلاح «دودووانی کوچک» به کار رفته است، منظور از آن «خرد» و «دودووانی» است.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

سازمان آب منطقه ای تهران توضیح میدهد اطلاع ساکنان خواهد رسید «توضیح» سازمان آب منطقه ای تهران همچنین در مورد خبر ۸۵ «مردم» شماره ۱۴۴، تحت عنوان است هرروزه میبیریم و زنده، مزحمتگان ساکن ونک آبلوله شویم، مندرج در نامه «م» کمی میخواهند در نامه های شماره ۱۴۴، متذکر شما توضیح داده است که نصب انشعاب که چون شرکت ایرانی شبر آب منازل محل مذکور در اسلام شبر خارج از حوضه قبول در خواست آکبیهای قبول در خواست اند انشعاب و پذیرش مشترک واقع پذیرش مشترک این سازمان شده و در حال حاضر لوله کشی گرفته است و به علت عدم منطقه فوق الذکر به علت عدم فنی در جهت توسعه شبکه امکانات فنی مقدور نیست و در آب شبر تهران و کمبود صورت آماده شدن شرایط لازم آب موجود، تأمین آب در جهت توسعه تأسیسات آبرسانی شهرک ایرانی شبر مقدور نیست

